

## International Legal Personality of Non-State Armed Groups with an Emphasis on Yemen Crisis (Original Research)

Seyed Ghasem Zamani \*

Maryam Hosseinabadi \*\*

(DOI) : 10.22066/cilamag.2024.563658.2335

Date Received: 17 Oct. 2022

Date Accepted: 16 Dec. 2023

### Abstract

Since the establishment of modern international law following the conclusion of the Treaty of Westphalia in 1648 until nearly half a century ago, states were considered as the sole subjects of international law, thus enjoying international legal personality. However, the number of entities playing influential roles has increased, and among them, Non-State Armed Groups (NSAGs) are of great importance due to their growing participation in armed conflicts. The active participation of these entities in conflicts raises the question of their legal personality in the international legal sphere, which is still predominately state-centric. Answering this question is important because it determines the first step towards acquiring rights and obligations under the structure of international law. Consequently, the possibility of considering secondary rules as a guarantee against the neglect of international obligations depends on having an international legal personality. This article examines the legal personality of NSAGs in international law with an emphasis on the situation in Yemen. It concludes that the evolution of the personality of these groups may play an important role in holding them internationally responsible.

### Keywords

Non-State Armed Groups, International Legal Personality, International Humanitarian Law, Armed Conflicts, International Obligations, Yemen

---

\* Professor of International Law, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, zamani@atu.ac.ir

\*\* Corresponding Author, Ph.D. of International Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, hosseinabadi.maryam@yahoo.com



## شخصیت حقوقی بین‌المللی گروه‌های مسلح غیردولتی با تأکید بر وضعیت یمن (پژوهشی)

سیدقاسم زمانی \*

مریم حسین‌آبادی \*\*

(DOI) : 10.22066/cilamag.2024.563658.2335

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۵

### چکیده

از هنگام پیدایش حقوق بین‌الملل نوین به دنبال انعقاد معاهده و ستفالی در ۱۶۴۸ تا حدود نیم قرن پیش، دولت‌ها تنها تابعان حقوق بین‌الملل برخوردار از شخصیت حقوقی بین‌المللی قلمداد می‌شدند. اما اکنون شمار موجودیت‌های عهده‌دار نقش‌های تأثیرگذار افزایش یافته است و در میان آن‌ها گروه‌های مسلح غیردولتی به دلیل مشارکت فزاینده خود در مخاصمات مسلحانه، از اهمیت بالایی در مطالعات برخوردارند. مشارکت فعال این موجودیت‌ها در مخاصمات، منجر به طرح پرسش راجع به وضعیت شخصیت حقوقی آن‌ها در فضای حقوق بین‌المللی می‌شود که هنوز در بسیاری از جنبه‌ها، دولت‌محوری پدیده غالب است. پاسخ به پرسش مذکور از آن جهت مهم است که دانسته شود قدم نخست در خصوص صلاحیت داراشدن حقوق و تکالیف در معماری حقوق بین‌الملل و به تبع آن، بحث در خصوص امکان درنظرگرفتن قواعد ثانویه به‌عنوان ضمانت اجرای نادیده‌گرفتن تعهدات بین‌المللی، در گرو بهره‌مندی از شخصیت حقوقی بین‌المللی است. این مقاله، شخصیت حقوقی گروه‌های مسلح غیردولتی در حقوق بین‌الملل را با تأکید بر وضعیت یمن بررسی می‌کند و چنین نتیجه می‌گیرد که امکان دارد تکامل شخصیت گروه‌های مذکور، نقش مهمی در مسئول قلمدادنمودن آن‌ها به لحاظ بین‌المللی ایفا کند.

### واژگان کلیدی

گروه‌های مسلح غیردولتی، شخصیت حقوقی بین‌المللی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مخاصمات مسلحانه، تعهدات بین‌المللی، یمن

\* zamani@atu.ac.ir

\* استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

\*\* نویسنده مسئول، دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

hosseinabadi.maryam@yahoo.com

## مقدمه

در دهه‌های اخیر، عبارتی به نام گروه‌های مسلح غیردولتی<sup>۱</sup>، به‌ویژه به واسطه نقش غیرقابل انکار این گروه‌ها، مورد بحث‌های نظری حائز اهمیتی در ادبیات حقوق بین‌الملل عمومی معاصر، در عرصه حقوق بین‌الملل بشردوستانه شده است. در حقیقت به‌موازات تغییر در اطراف مخاصمات مسلحانه از سطح دولت در مقابل دولت، به سطح گروه‌های مسلح غیردولتی در مقابل یکدیگر یا در مقابل دولت، این گروه‌ها به گونه‌ای بی‌بدیل در کسوت به‌چالش کشیدن بسیاری از مفاهیمی ظاهر شده‌اند که سابق بر این تصور می‌شد به گونه‌ای انحصاری در خصوص دولت‌ها قابلیت مطرح شدن دارند و به طرز آشکاری عدم تکافوی نظام عمدتاً دولت‌محور<sup>۲</sup> حقوق بین‌الملل را در برخی زمینه‌ها، به‌ویژه در مباحث مربوط به مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی<sup>۳</sup> و قواعد و پیامدهای ناظر بر پایبندی به آن‌ها عیان کرده‌اند.

با نگاهی به تعداد رو به افزایش مخاصمات مسلحانه روشن می‌شود که عمده این درگیری‌ها،

۱. انجمن حقوق بین‌الملل در گزارش خود در ۲۰۱۶ تعریف کاربردی از گروه‌های مسلح غیردولت مبتنی بر سه عنصر به عمل آورد؛ بدین ترتیب که:

الف) اولاً گروه‌های مسلح غیردولت، «سازمان‌های متشکل از دولت‌ها یا سازمان‌هایی که توسط گروهی از دولت‌ها، اداره یا کنترل می‌شوند» نیستند.

ب) ثانیاً گروه‌های مسلح غیردولت، بازیگرانی هستند که در واقع «اقداماتی در عرصه بین‌المللی انجام می‌دهند که تأثیرات واقعی یا بالقوه بر حقوق بین‌الملل دارد».

ج) ثالثاً گروه‌های مسلح غیردولت، نهادهای قانونی شناخته‌شده و سازمان‌یافته هستند. به‌رسمیت شناختن حقوقی آن‌ها می‌تواند در قوانین ملی یا بین‌المللی صورت گیرد. این دسته‌بندی شامل افراد، نهادهای سازمان‌یافته غیرقانونی و غیرمشموع نمی‌شود، نظیر مافیای و نیز گروه‌های غیرقانونی و غیرمشموع، مانند گروه القاعده که به‌هیچ‌وجه به رسمیت شناخته نشده‌اند. ن.ک:

Math Noortmann et al., "Final Report of the Committee on Non-State Actors of the International Law Association (ILA)," *International Law Association* (2016): 5-7.

## 2. State-centric System

۳. ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی شماره ۲ به کنوانسیون‌های ژنو در ۱۹۷۷ به تعریف مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی پرداخته‌اند. تعریف ماده ۳ مذکور از مخاصمه غیربین‌المللی بدین صورت است که «چنین مخاصماتی ویژگی بین‌المللی را نداشته و در قلمرو یک دولت میان نیروهای مسلح حکومتی و گروه‌های مسلح غیربین‌المللی مطابق با ماده ۱ پروتکل الحاقی شماره ۲ همراه با تحقق شرایطی است و گروه‌های مسلح مخالف باید این شرایط را دارا باشند. شرایط مذکور، عبارت از برخورداری از نیروهای مسلح سازمان‌یافته و دارا بودن فرمانده مسئول و نیز کنترل بخشی از قلمرو کشور است». بنابراین، مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی مخاصماتی هستند که در قلمرو یک دولت میان نیروهای مسلح حکومت و گروه‌های مسلح مخالف یا بین خود این گروه‌ها طی بازه زمانی متعارف رخ می‌دهند. این در حالی است که مخاصمه مسلحانه بین‌المللی به درگیری میان دولت‌ها محدود می‌شود. ن.ک:

محمدرضا ضیائی بیگدلی، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه* (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۲)، ۸۵-۱۰۱.

محمدرضا ضیائی بیگدلی، *حقوق جنگ*، (تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۳)، ۴۶.

سید یاسر ضیائی، *درآمدی بر جدایی‌طلبی در حقوق بین‌الملل* (تهران: شهر دانش، ۱۳۹۶)، ۲۰-۳۲.

نه میان دولت‌ها با یکدیگر، بلکه میان دولت‌ها با گروه‌های مسلح غیردولتی یا میان این گروه‌ها با یکدیگر بوده است. بدون شک، بروز چنین وضعی بیانگر اهمیت فزاینده مباحث و موضوعات مربوط به گروه‌های مسلح غیردولتی در شناخت و اجرای هر چه بهتر و کارآمدتر قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی است؛ شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی که دغدغه اصلی‌اش صیانت از اهداف غیرنظامی در جریان مخاصمات مسلحانه است.

البته واقعیت آن است که علی‌رغم اذعان به اهمیت فزاینده نقش گروه‌های مسلح غیردولتی در قلمرو حقوق بین‌الملل عمومی معاصر، جایگاه نامشخص و چه بسا خاکستری این موجودیت‌ها در معماری حقوق بین‌الملل سبب شده است که جامعه بین‌المللی با شرایطی رو به رو شود که در آن گروه‌های مسلح غیردولتی حضور داشته باشند که در بسیاری موارد دارای کنترل مؤثر بر قلمرو جغرافیایی مشخص از طریق ادوات نظامی هستند؛ گروه‌هایی که به گواه اسناد و مقرراتی نظیر ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی شماره ۲ آن‌ها، مخاطب پاره‌ای از تعهدات بین‌المللی در زمینه التزام به قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی هستند؛ تعهداتی که بعضاً هم‌سنگ با تعهدات دولت‌ها هستند، اما در شناسایی آن‌ها به‌عنوان شخص حقوقی، تردیدهایی وجود داشته باشد. همین امر به نوبه خود سبب شده است که در خصوص امکان اعمال قواعد ثانویه بر گروه‌های مسلح غیردولتی، که به‌ویژه در سه دهه اخیر در بسیاری از موارد به‌عنوان عامل تهدید صلح و امنیت بین‌المللی شناخته شده‌اند، خلأ حقوقی بزرگی وجود داشته باشد. واقعیت آن است که گروه‌های مسلح غیردولتی غالباً در کسوت مبارزه با حاکمیت دولت‌ها ظاهر شده‌اند و دولت‌ها نیز در نقطه مقابل، تمایلی به قائل شدن وجود هرگونه ارتباط بین‌المللی برای گروه‌های مذکور ندارند و ترجیح می‌دهند با آن‌ها به‌عنوان مجرم و به موجب قوانین حقوق داخلی خود رفتار کنند. اما امروزه جامعه بین‌المللی، در پاره‌ای موارد، با گروه‌های مسلح غیردولتی مواجه است که با بهره‌مندی از نظم سلسله مراتبی سازمانی، در سطحی گسترده بر بخشی از قلمرو ارضی دارای کنترل واقعی، و عملاً در بسیاری از حوزه‌ها عهده‌دار اعمال حاکمیتی هستند، نظیر وضعیتی که در چند سال اخیر در خصوص گروه‌هایی مانند انصارالله در یمن مشاهده شده است. به‌واقع امروزه جامعه بین‌المللی با شرایطی رو به رو است که در آن دسته‌ای از گروه‌های مسلح غیردولتی در حال نقش‌آفرینی در سطحی وسیع هستند، ولی در بسیاری از موارد، پرسش‌های حقوقی راجع به آن‌ها پاسخ متقنی ندارد که این امر حاکی از خاکستری بودن وضعیت این موجودیت‌ها در سطح بین‌المللی است. یکی از دلایل نامشخص بودن جایگاه این موجودیت‌ها که بعضاً شباهت‌های عملی<sup>۴</sup> زیادی به بازیگران اصلی حقوق بین‌الملل دارند و به طرز شگفت‌انگیزی در حال نقش‌آفرینی در جامعه بین‌المللی هستند، ریشه در نامشخص بودن وصف شخصیت حقوقی بین‌المللی این موجودیت‌ها دارد.

در این مقاله، مفهوم و جایگاه شخصیت حقوقی گروه‌های مسلح غیردولتی با تأکید بر وضعیت یمن در آینه حقوق بین‌الملل بررسی می‌شود. در این راستا در بخش نخست، مبنای تعهدات بازیگران مسلح غیردولتی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، در بخش دوم، روند تعمیم شخصیت حقوقی بین‌المللی به بازیگران غیردولتی، در بخش سوم، شخصیت بین‌المللی گروه‌های مسلح غیردولتی در پرتو تعهدات حقوق بین‌الملل بشردوستانه، و در بخش چهارم، درگیری‌های یمن و نقش گروه‌های مسلح غیردولتی در بحران وضعیت این کشور بررسی می‌شود.

### ۱. مبنای تعهدات بازیگران مسلح غیردولتی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه

به‌طور کلی در دکتربین، چند مبنای نظری در خصوص بارشدن تعهدات بر گروه‌های مسلح غیردولتی در فضای حقوق بین‌الملل بشردوستانه وجود دارد. مبنای نخست چنین اشعار می‌دارد: هنگامی که دولتی اقدام به عضویت در معاهدات می‌نماید یا با رویه عرفی همگام می‌شود، این امر سبب می‌شود که دولت به‌صورت ضمنی اهلیت قانونی لازم را برای بارشدن تعهدات بر گروه‌های مسلح غیردولتی در چارچوب رژیم حقوقی حقوق بین‌الملل بشردوستانه اعطا کند.<sup>۵</sup> مبنای دوم آن است که تعهدات مذکور به وسیله فرآیند داخلی‌سازی حقوق بین‌الملل در حقوق داخلی جای می‌گیرند.<sup>۶</sup>

واقعیت آن است که هیچ‌یک از دو مبنای فوق به لحاظ استدلالی چندان قانع‌کننده به نظر نمی‌رسند. ایراد مبنای نخست آن است که در مواردی، یک گروه مسلح، سال‌ها پس از تصویب و پیوستن دولت به معاهده موجد تعهدات بین‌المللی بر گروه‌های مسلح غیردولتی به وجود می‌آید. برای مثال، سیرالئون در ۱۹۸۶ پروتکل الحاقی شماره ۲ به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو را تصویب کرد. این در حالی است که گروه مسلح غیردولتی موسوم به جبهه متحد انقلابی که طی ۱۱ سال جنگ داخلی در سیرالئون بسیار عملکرد آشوبگرانه‌ای داشت، در ۱۹۹۱ تأسیس شد.<sup>۷</sup> نکته‌ای که پاسخ روشنی ندارد آن است که آیا دولت می‌تواند به‌صورت ضمنی هر یک از اقسام اهلیت را به موجودیتی اعطا کند که هنوز به وجود نیامده است و حتی حیات مؤخر آن نیز نمی‌تواند در زمان اعطای صورتی چنین اهلیتی پیش‌بینی شود؟

از منظر استدلالی، مبنای دوم نیز قانع‌کننده به نظر نمی‌رسد زیرا درست است که فرآیند داخلی‌سازی حقوق بین‌الملل، موجد تعهداتی در حقوق داخلی می‌شود که منشأ آن‌ها در حقوق بین‌الملل است، اما واقعیت آن است که چنین تعهداتی متعلق به قلمرو حقوق داخلی هستند و دشوار

5. Marco Sassòli, Antoine A. Bouvier and Anne Quintin, *How does law protect in war* (Swiss: International Committee of the Red Cross, 1999): 214-217.

6. Ibid.

7. Gus Waschefort, "Justice for child soldiers? The RUF Trial of the Special Court for Sierra Leone," *Journal of International Humanitarian Legal Studies* 1 (2010): 189-204.

است از تعهداتی که در جریان فرآیند داخلی‌سازی حقوق بین‌الملل وارد حیطه حقوق داخلی شده‌اند برای توضیح تعهداتی که در قلمرو حقوق بین‌الملل بر گروه‌های مسلح غیردولتی که هدف از شکل‌گیری آن‌ها به‌چالش کشیدن اقتدار و مشروعیت دولت مذکور بوده است، استفاده شود.<sup>۸</sup>

با جستجو و تدقیق بیشتر در دکتترین، ملاحظه می‌شود که عده دیگری از اندیشمندان چنین استدلال می‌کنند که حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌صورت ضمنی شخصیت حقوقی بین‌المللی محدودی به گروه‌های مسلح غیردولتی اعطا کرده است.<sup>۹</sup> اما در نقطه مقابل این استدلال نیز چنین بیان شده است که رژیم حقوقی حقوق بین‌الملل بشردوستانه قادر نیست به یک موجودیت چیزی اعطا کند، بلکه در حقیقت این دولت‌ها هستند که در هنگام انجام مذاکرات راجع به معاهدات یا اعمال عرف، شخصیت حقوقی محدودی را برای برخی موجودیت‌ها، از جمله گروه‌های مسلح غیردولتی شناسایی می‌کنند. لاتریاچت چنین استدلال کرده است که «...حیطه تابعان حقوق بین‌الملل، حیطه تغییرناپذیری به واسطه ماهیت این رژیم حقوقی نیست، بلکه قادر است مطابق با خواست دولت‌ها و نیز مقتضیات جامعه بین‌المللی دستخوش اصلاح و توسعه شود...».<sup>۱۰</sup>

واقعیت آن است که بارشدن تعهدات بر گروه‌های مسلح غیردولتی در چارچوب حقوق بین‌الملل بشردوستانه از اهمیت وافری در ارزیابی و حتی تضمین حصول اطمینان از پیروی و متابعت این موجودیت‌ها از اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه برخوردار است، چرا که تحمیل چنین تعهداتی بر گروه‌های مسلح غیردولتی، نقش حیاتی در حفظ شاکله‌بندی حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌عنوان رژیم حقوقی خودبسنده ایفا می‌نماید.<sup>۱۱</sup> در حقیقت، دیدگاه بی‌طرفانه حقوق بین‌الملل بشردوستانه راجع به غیرقانونی‌بودن اقدام هریک از طرف‌های درگیر در خصوص آغاز مخاصمه مسلحانه، ریشه در اصل برابری متخاصمان دارد؛ اصلی که از نقش کلیدی در اجرایی‌شدن قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه برخوردار است. اصل برابری متخاصمان به معنای اعمال یکسان قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر دو طرف درگیری در جریان یک مخاصمه مسلحانه است، صرف‌نظر از آنکه متجاوز چه کسی بوده است.<sup>۱۲</sup> قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه زمانی می‌تواند

8. Sassòli et al., *How does law protect in war*, 14-16.

۹. غلامعلی قاسمی و محمدصالح تسخیری، «شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۹، ۵۵ (۱۳۹۶): ۲۳۱-۲۳۵.

10. Hersch Lauterpacht, "The Subjects of International Law." in *International Law: Being the Collected Papers of Hersch Lauterpacht*, Volume I: The General Works, edited by E. Lauterpacht (Cambridge: Cambridge University Press, 1970): 137.

۱۱. جمشید ممتاز و فریده شایگان، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه در برابر چالش‌های مخاصمات مسلحانه عصر حاضر* (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۲)، ۱۵۰.

12. Ezequiel Heffes, "Non-State Armed Groups, Legal Personality and Typology." In *Detention by Non-State Armed Groups under International Law*, edited by Heffes, Ezequiel, 29-69. (Cambridge: Cambridge University Press, 2022): 29-35.

به‌صورت برابر بر طرف‌های درگیر اعمال شود که هر دو طرف مخاصمه مسلحانه، اعم از دولت و دیگر موجودیت‌های غیردولتی، تعهدات برابری داشته باشند.<sup>۱۳</sup>

نکته شناخته‌شده در آموزه‌ها آن است که رزمندگان در طول مخاصمات مسلحانه، به موجب حقوق بین‌الملل به‌طور مستقیم دارای حقوق و تکالیف هستند و عمده تکالیف آن‌ها در حیطه حقوق بین‌الملل بشردوستانه و سپس حقوق بین‌الملل بشر است. برخی اندیشمندان قائل به تمایز این مطلب هستند که دولت‌ها تنها موجودیت‌هایی هستند که می‌توان آن‌ها را به موجب نظام حقوق بین‌الملل بشر، مسئول قلمداد کرد.<sup>۱۴</sup> این در حالی است که در نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه، دولت‌ها و گروه‌های مسلح غیردولتی، هر دو به‌عنوان طرف‌های مخاصمه، مسئول قلمداد می‌شوند. در خصوص مسئولیت، برخی اندیشمندان، گروه‌های مسلح غیردولتی را از مسئولیت جمعی مستثنا می‌دارند و در عوض مسئولیت را متوجه دولت یا نهاد شبه‌دولتی می‌دانند که می‌بایست از جمعیت خود در مقابل سوءرفتار محافظت می‌کردند. در بحث پیش رو، منظور از نهاد شبه‌دولت، گروه‌های مسلح غیردولتی هستند که در فقدان دولت مرکزی مقتدر، اقتدارات حاکمیتی را با لحاظ مقتضیات ماده ۹ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها اعمال می‌کنند. با وجود این، گسترش دامنه اعمال حقوق بین‌الملل بشر بر گروه‌های مسلح غیردولتی، امری کاربردی است زیرا سبب می‌شود سوءرفتارهای هر دو طرف درگیر در مخاصمه مسلحانه، شامل دولت و گروه‌های مسلح غیردولتی، قابل شناسایی باشد. یکی از شیوه‌های اعمال حقوق بین‌الملل بشر، بر پایه تأکید بر این امر است که گروه‌های مسلح غیردولتی به هر تعهدی که پیش‌تر راجع به پیروی از قواعد حقوق بین‌الملل بشر داده‌اند، پایبند تلقی می‌شوند.<sup>۱۵</sup> شیوه بعدی دربرگیرنده شناسایی هنجارهای حقوق بین‌الملل بشری است که حقوق معاهده‌ای به‌طور ویژه به بازیگران غیردولتی تعمیم می‌دهد.<sup>۱۶</sup> در برخی موارد، از قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد به‌عنوان جانشین برای معاهدات بهره گرفته شده است. اما مشکل استفاده از این رویکرد آن است که زبان قطعنامه‌های شورای امنیت، حقوق بشر را برای بازیگران غیردولتی با فعل حقوقی خویش تجویز نمی‌کند، بلکه در عوض قطعنامه‌ها معمولاً نتیجه‌گیری می‌کنند که گروه مسلح غیردولتی مورد بحث، حقوق بشر را نقض کرده است و بدین‌گونه به‌صورت تلویحی بیان می‌دارند که موارد نقض شده در زمان نقض، بر بازیگر غیردولتی

۱۳. محمدرضا ضیائی بیگدلی و همکاران، *آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری* (تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۲) جلد اول، ۴۹۷.

۱۴. در بحث پیش رو، منظور از نهاد شبه‌دولت، گروه‌های مسلح غیردولتی هستند که در فقدان دولت مرکزی مقتدر، در حال اعمال اقتدارات حاکمیتی با لحاظ مقتضیات ماده ۹ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها است. در بخش چهارم به این مفهوم بیشتر پرداخته می‌شود.

15. Zakaria Dabone, "International law: armed groups in a state-centric system", *International Review of the Red Cross* 93, 882 (2011): 405.

16. Ibid.

قابل اعمال بوده است.<sup>۱۷</sup>

شیوه نهبی در این زمینه تأکید می‌کند که تمام بازیگران، صرف‌نظر از اینکه همانند دولت‌ها مخاطب حقوق بین‌الملل بشر باشند یا خیر، به قواعد آمره، پایبند تلقی می‌شوند. از آنجا که فهرست موارد مشمول قواعد آمره نامشخص است، توسل به این شیوه، سبب حمایت از طیف وسیعی از هنجارهای مورد حمایت حقوق بین‌الملل بشر می‌شود. اما رویکردی که از همه رویکردها چالش‌برانگیزتر است، شامل مشابه در نظر گرفتن گروه مسلح غیردولتی در بازه زمانی که هنوز وضعیت شکست یا پیروزی آن در مخاصمه مشخص نشده است، با یک دولت و اعطای موجودیتی دوفاکتو و دولت‌گونه به آن و در عین حال، انکار دولت بودن آن است. نتیجه این رویکرد آن است که گروه مسلح غیردولتی ملزم است از هنجارهای حقوق بشر همانند یک دولت متابعت و پیروی کند.<sup>۱۸</sup>

واقعیت آن است که از منظر رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی، گروه‌های مسلح غیردولتی توانایی برعهده گرفتن خط‌مشی‌های سازمان‌دهی شده را، نظیر آنچه دولت‌ها دارند، دارا هستند. بنابراین گسترش شمول قواعد حقوق بشر بر گروه‌های مسلح غیردولتی دارای تأثیر زیادی بر تعیین شخصیت آن‌ها است. این راه‌حل عملی به شیوه جدیدی که تابعان فعال حقوق بین‌الملل، نظیر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه سازمان ملل، با گروه‌های مسلح غیردولتی وارد تعامل می‌شوند، معنا می‌بخشد. چنین تعاملی چه بسا به گروه‌های مذکور، شخصیت کاربردی محدودی می‌بخشد. تعامل با گروه‌های مسلح غیردولتی به شرح فوق، به‌صورت ضمنی مبین این نکته است که ممکن است موجودیت‌های مزبور، ادعای ایفای نقش در شکل‌دهی و ایجاد هنجارهای کاربردی داشته باشند.<sup>۱۹</sup>

توافقنامه‌های زیادی میان دولت‌ها یا سازمان ملل با گروه‌های مسلح غیردولتی وجود دارد.<sup>۲۰</sup> انعقاد چنین توافقنامه‌هایی به‌ویژه در ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، علی‌رغم روشن نبودن ارزش حقوقی واقعی این توافقنامه‌های معاهده‌گونه، مورد تشویق قرار گرفته است. در بسیاری از توافقنامه‌های مذکور، طرف‌ها عهده‌دار تعهدات جدیدی نمی‌شوند، بلکه در عوض، بر تعهدات فعلی خود به موجب حقوق بین‌الملل، باز تأکید می‌کنند. نکته جالب آن است که بسیاری از

17. Ibid.

18. Olivier Bangerter, "Reasons why armed groups choose to respect international humanitarian law or not," *International Review of the Red Cross* 93, 882 (2011): 378-385.

19. Ibid.

20. See: <http://peacemaker.un.org/uganda-permanent-ceasefire2008>, Last Accessed on July 15, 2022; <http://reliefweb.int/report/sudan/protocol-between-govt-sudan-slma-and-justice-and-equality-movement-improvement>, Last Accessed on July 15, 2022; [http://peacemaker.un.org/sites/peacemaker.un.org/files/SD\\_020331\\_Agreement%20to%20Protect%20Non-Combatant%20Civilians%20from%20Military%20Attack.pdf](http://peacemaker.un.org/sites/peacemaker.un.org/files/SD_020331_Agreement%20to%20Protect%20Non-Combatant%20Civilians%20from%20Military%20Attack.pdf), Last Accessed on July 15, 2022



این توافقنامه‌ها در عمل در قالب معاهده اجرا شده‌اند. این در حالی است که وجود چنین قابلیت‌هایی به صورت رسمی شناسایی نشده است و باید گروه مسلح غیردولتی به عنوان شخص حقوقی دارای قابلیت برای طرف معاهده بودن، شناسایی شود. همچنین برخی از گروه‌های مسلح غیردولتی به عنوان موجودیت‌هایی تلقی شده‌اند که قادر به صدور بیانیه‌ای یکجانبه، به ویژه در زمینه متابعت و پیروی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند. مخاطب برخی از این بیانیه‌ها، به ویژه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و سازمان ملل است. اما مهم‌تر از بحث توانایی صدور بیانیه‌های یکجانبه یا توافقنامه‌های ویژه، توجه به این نکته است که آیا رویه گروه‌های مسلح غیردولتی منجر به شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی می‌شود؟ طرح این پرسش از این منظر حائز اهمیت است که دانسته شود، برخی از نظریه‌پردازان و دادگاه‌های بین‌المللی، برای ایجاد یا اثبات حقوق بین‌الملل عرفی، رویه گروه‌های مسلح غیردولتی را لحاظ می‌کنند.<sup>۲۱</sup> برای مثال، دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، رویه گروه‌های مسلح غیردولتی را، هرچند به شیوه‌ای محدود، برای ارزیابی حقوق بین‌الملل عرفی مورد توجه قرار داد.<sup>۲۲</sup> از آنجا که اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری اشعار می‌دارد که صرفاً رویه پذیرفته شده به صورت قانون کفایت می‌کند و وجود مقرر را منحصر به پذیرش آن از سوی دولت‌ها نمی‌کند، تا حدودی می‌توان از نظریه نقش رویه گروه‌های مسلح غیردولتی در تکوین حقوق بین‌الملل عرفی حمایت به عمل آورد. حتی برخی از نظریه‌پردازان معتقدند که گروه‌های مسلح غیردولتی، در حال توسعه حقوق مخصصات مسلحانه مختص خود به موازات حقوق مخصصات مسلحانه میان دولت‌ها هستند.<sup>۲۳</sup>

با وجود این، غالب مفسران حقوق بین‌الملل، نظیر انجمن حقوق بین‌الملل عقیده دارند که عمدتاً دولت‌ها در تکوین حقوق بین‌الملل عرفی نقش دارند.<sup>۲۴</sup> بنابراین در حالی که نهادی مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، رویه گروه‌های مسلح غیردولتی را رصد و مستند می‌کند، رویه این موجودیت‌ها را از رویه دولت‌ها در رابطه با شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی متمایز می‌کند، و علت این تمایز، عدم قطعیت در شناسایی و دسته‌بندی بازیگران در تشکیل قواعد لازم برای تکوین حقوق بین‌الملل عرفی است. در هر رخداد، اثر دقیق هنجاری رویه گروه‌های مسلح غیردولتی معین

21. Jann K. Kleffner, "The applicability of international humanitarian law to organized armed groups," *International Review of the Red Cross* 93, 882 (2011): 455-457.

22. Practice

23. *Prosecutor v. Dusko Tadic aka "Dule"* (Decision on the Defense Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction), IT-94-1, International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY), 2 October 1995.

24. Kleffner, *The applicability of international humanitarian law to organized armed groups*, 458.

25. Math Noortmann, et al., *Final Report of the Committee on Non-State Actors of the International Law Association (ILA)*: 9-10.

نمی‌شود، اما اثر این رویه، دست‌کم حاکی از اجرایی‌شدن حقوق بین‌الملل بشردوستانه است.<sup>۲۶</sup> واقعیت آن است که شالودهٔ رصدکردن رویهٔ گروه‌های مسلح غیردولتی، نیاز کاربردی به منظور تضمین حمایت از جمعیت غیرنظامی از رهگذر پایبند تلقی‌کردن نظامیان به تعهدات و تکالیفِ حداقلی حقوقی است. به منظور به‌حداقل‌رساندن رنج و آسیب واردشده به غیرنظامیان، لازم است که رزمندگان تحت انقیاد قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه واقع شوند، اما این بدان منظور نیست که رزمندگان به صرف تحت انقیاد واقع‌شدن، از مزایای شبه‌دولت‌بودن بهره‌مند شوند.<sup>۲۷</sup> مادهٔ ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانهٔ ژنو بیان می‌دارد که اعمال این مقرر بر وضعیت حقوقی طرف‌های درگیر در مخاصمه تأثیر نمی‌گذارد. از این رویه دریافت می‌شود که غالباً با گروه‌های مسلح غیردولتی به گونه‌ای رفتار می‌شود که گویی این موجودیت‌ها مادامی که در جریان مخاصمهٔ مسلحانه و در ارتباط با موضوعات داخل در حیطهٔ حقوق بشردوستانهٔ بین‌المللی باشند، از شخصیت حقوقی بین‌المللی کاربردی، نسبی و محدود برخوردارند. چنین نتیجه‌گیری، پیامد منطقی اصل برابری متخاصمان است؛ اصلی که به موجب آن به منظور اجرای واحد و یکدست قوانین حقوق مخاصمات مسلحانه، با رزمندگان می‌بایست به‌صورت برابر با دیگر طرف مخاصمه، در مواردی که دولت است، رفتار شود.<sup>۲۸</sup>

اما مسئلهٔ مهم‌تر و چالش‌برانگیزتر که ماهیت نسبی شخصیت حقوقی گروه‌های مسلح غیردولتی را برجسته‌تر می‌کند، آن است که آیا ممنوعیت توسل به زور به نحو منعکس در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، شامل گروه‌های مسلح غیردولتی نیز می‌شود؟ برخی اندیشمندان چنین استدلال می‌کنند که در مواردی که گروه‌های مسلح غیردولتی دارای کنترل مستقل و کافی بر قلمرو ارضی هستند و خود را به‌صورت رژیم دوفاکتو سازمان‌دهی می‌کنند، به‌واقع موجودیت‌هایی دولت‌گونه<sup>۲۹</sup> هستند و امکان دارد از مزیت منع توسل به زور علیه خود توسط دولت‌های دیگر بهره‌مند شوند.<sup>۳۰</sup> مطابق تفسیر مضیق، قاعدهٔ منع توسل به زور، تنها شامل دولت‌ها می‌شود و آن‌ها این حق را دارند که از امکانات پلیسی خود برای مقاومت در برابر جنگ داخلی بهره‌مند شوند. در عین حال می‌توان چنین استدلال کرد که اصطلاح دولت، معادل عضو ملل متحد بودن نیست؛ بنابراین هر گروه مسلح غیردولتی که به‌عنوان دولت دوفاکتو عمل می‌کند، ممکن است به‌عنوان دولت توصیف و شناسایی شود. برای مثال،

26. Andrew Clapham, "The Rights and Responsibilities of Armed Non-State Actors: The Legal Landscape & Issues Surrounding Engagement," *Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights* (2010): 48-50.

27. Sophie Rondeau, "Participation of armed groups in the development of the law applicable to armed conflicts," *International Review of the Red Cross* 93, 886 (2011): 649-650.

28. *Ibid.*, 651.

29. State-like Entities

30. Olivier Corten, *The Law Against War: The Prohibition on the Use of Force in Contemporary International Law* (Oxford: Hart Publishing, 2010): 160.

کمیتهٔ مأموریت حقیقت‌یابی مستقل بین‌المللی دربارهٔ مخاصمه در گرجستان، به‌عنوان رکن تحقیق که توسط شورای اتحادیهٔ اروپا به منظور تحقیق و جستجو راجع به مخاصمه در گرجستان ایجاد شده است، چنین استدلال کرده است که موجودیت‌های اوستیای جنوبی و آبخازیا در عین حال که دولت نبودند، شبه‌دولت بوده‌اند و بنابراین شامل قاعدهٔ ممنوعیت توسل به زور می‌شده‌اند.<sup>۳۱</sup> به‌طور مشابه، ادارهٔ دادستانی دیوان بین‌المللی کیفری نیز بیان داشته است که موجودیت‌های دولت‌گونه از توانایی سیاست هماهنگ‌شدهٔ کافی و لازم برای ارتکاب جرایم علیه بشریت برخوردارند.<sup>۳۲</sup> البته استدلال مدنظر، محدود به موارد فوق نیست. برای مثال، شورای امنیت در زمانی که هنوز کرهٔ جنوبی و کرهٔ شمالی به‌عنوان دولت‌های مستقل شناسایی نشده بودند، ممنوعیت توسل به زور را میان آن‌ها اجرایی اعلام کرد.<sup>۳۳</sup> ملاحظه می‌شود در موارد فوق، رویکردی کاربردی و عمل‌گرا اتخاذ شده است زیرا مهم آن است که آیا گروه مسلح غیردولتی قادر است به نحو قابل مقایسه با دولت، ادارهٔ قلمرو را به عهده بگیرد؟ بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که شخصیت حقوقی بین‌المللی این موجودیت‌ها با توجه به ماهیت آن‌ها، نقش، عملکرد و وظایف آن‌ها به‌صورت نسبی استنباط می‌شود.<sup>۳۴</sup>

## ۲. در تبیین روند تعمیم شخصیت حقوقی بین‌المللی به بازیگران غیردولتی

تا پیش از ۱۶۴۸ فرض پذیرفته‌شده آن بود که حقوق بین‌الملل عبارت است از مجموعه‌ای از قواعد و اصول که منحصرأ در خصوص دولت‌ها و در روابط میان آن‌ها با یکدیگر الزام‌آور تلقی می‌شود.<sup>۳۵</sup> اما دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی خود در قضیهٔ «جبران خسارات کارکنان ملل متحد» در ۱۹۴۹ مسیر را برای ارائهٔ تعریفی جامع و مانع از مفهوم حقوق بین‌الملل و منطبق با مقتضیات جامعهٔ بین‌الملل هموار کرد.<sup>۳۶</sup>

به موجب یافتهٔ دیوان در رأی مشورتی مذکور، لازمهٔ تابع و شخص حقوق بین‌الملل بودن،<sup>۳۷</sup> برخوردار بودن از شخصیت حقوقی<sup>۳۸</sup> است و شخصیت حقوقی مفهومی نیست که صرفاً

31. See: Independent International Fact-Finding Mission on the Conflict in Georgia, *Report*, Vol. I (Geneva: Independent International Fact-Finding Mission on the Conflict in Georgia, 2009).

32. See: International Criminal Court, *Situation in Georgia*, ICC-01/15, Request for Authorization of an Investigation Pursuant to Article 15 (Jan. 27, 2016).

33. See: UN Security Council, Security Council resolution 82, [Complaint of aggression upon the Republic of Korea], 25 June 1950, S/RES/82, (1950).

34. Anna-Karin Lindblom, *Non-Governmental Organizations in International Law* (New York: Cambridge University Press 2005): 561.

35. Brierly, J.L., *The law of nations: An introduction to the international law of peace* (Oxford: Clarendon Press, 1995): 1.

36. ICJ, *Reparations for Injuries Suffered in the Employment of the United Nations*, Advisory ICJ Rep. (1949): 174.

37. Subject of International Law

38. Legal Personality

برای دولت وجود داشته باشد. ملاحظه می‌شود دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «جبران خسارت کارکنان ملل متحد» به خوبی توانست ملازمه‌ای را که تا آن زمان میان حاکمیت، که انحصاراً مفهومی متعلق به دولت است، و برخورداری از شخصیت حقوقی که وجود داشت، از میان ببرد و بدین ترتیب، حقوق بین‌الملل را به مجموعه‌ای از قواعد و اصول قابل اعمال بر تابعان حقوق بین‌الملل و نه منحصرأ دولت‌ها گسترش مفهومی بدهد.<sup>۳۹</sup>

البته باید در نظر داشت که با توجه به ساختار غالباً حاکمیت‌محور حقوق بین‌الملل، تسری دادن مفهوم شخصیت حقوقی به سایر موجودیت‌ها بسیار محدود است، به گونه‌ای که حسب رویه بین‌المللی فعلی، تنها از سازمان‌های بین‌المللی و در برخی شرایط استثنایی، از برخی سازمان‌های غیردولتی نظیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، در کنار دولت‌ها به‌عنوان تابعان فعال حقوق بین‌الملل یاد می‌شود.<sup>۴۰</sup>

اما از سوی دیگر حقوق بین‌الملل به واسطه ویژگی‌های خود، عموماً به‌عنوان نظامی چندپاره<sup>۴۱</sup> شناخته می‌شود. اثر این چندپارگی آن است که در درون نظام مذکور، این امکان برای رژیم‌های حقوقی خودبسند،<sup>۴۲</sup> نظیر حقوق بین‌الملل بشردوستانه فراهم است که به‌صورت مجزا از یکدیگر رشد و توسعه پیدا کنند.<sup>۴۳</sup> پرداختن به نکته مذکور، از آن جهت حائز اهمیت است که دانسته شود از زمان پذیرش پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، به‌صورت گسترده و غیرقابل مناقشه پذیرفته شده است که گروه‌های مسلح غیردولتی به موجب نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه، در قلمرو حقوق بین‌الملل دارای تعهدات حقوقی هستند.<sup>۴۴</sup> این در حالی است که ظاهراً مبنای عمومی مورد توافق برای تعهدات بین‌المللی موجودیت‌های مذکور وجود ندارد و در عین حال این تعهدات بین‌المللی منشأ آثار گسترده‌ای هستند.<sup>۴۵</sup> در فقدان در نظر گرفتن تعهدات بین‌المللی برای گروه‌های مسلح غیردولتی در چارچوب رژیم حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اصل برابری متخاصمان<sup>۴۶</sup> اصلی، سالبه به انتفای موضوع تلقی می‌شود، چرا که مطابق منطق حقوقی، در شرایطی که تنها یک طرف مخاصمه مسلحانه، صرف‌نظر از اینکه آغازکننده مخاصمه کیست،

39. Lindblom, *Non-Governmental Organizations in International Law*, 68-70.

40. *Ibid.*, 74.

41. A Fragmented System

42. Self-Contained Legal Regimes

43. Martti Koskeniemi, "Fragmentation of international law: Difficulties arising from the diversification and expansion of international law," *Report of the study group of International Law Commission (ILC)*, 13 April 2006, Fifty-sixth session, 65.

44. سیدقاسم زمانی و سیدياسر ضیایی، «تعمیم نظام مسئولیت بین‌المللی به بازیگران غیردولتی با تأکید بر جدایی‌طلبان»، *مجله حقوقی بین‌المللی* ۲۸، ۴۵ (۱۳۹۰): ۵۵.

45. Daragh Murray, "How International Humanitarian Law Treaties Bind Non-State Armed Groups," *Journal of Conflict & Security Law* 20, 1 (2015): 102

46. The Principle of the Equality of Belligerents

ملتزم به تعهدات بین‌المللی حقوق بشردوستانه تلقی می‌شود، نمی‌توان انتظار داشت که قواعد حق در جنگ،<sup>۴۷</sup> به صورت برابر بر هر دو طرف درگیری اعمال شود. بنابراین، تنویر مبانی نظری امکان بارشدن تعهدات بین‌المللی بر گروه‌های مسلح غیردولتی در چارچوب حقوق بین‌الملل بشردوستانه از اهمیت وافر بر خوردار است.<sup>۴۸</sup>

در حقوق داخلی، اصولاً هر موجودیت دارای اهلیت تمتع،<sup>۴۹</sup> از شخصیت حقوقی برخوردار است. در عرصه حقوق بین‌الملل نیز برای سالیان متمادی، بر همین مبنا عمل می‌شد. برای مثال، لاتریپاخت چنین بیان می‌داشت که «... در حقوق بین‌الملل، همانند هر نظام حقوقی دیگر، اشخاص، اعم از حقیقی و حقوقی هستند که به عنوان تابعان حقوق، دارای حق و تکلیف تلقی می‌شوند...».<sup>۵۰</sup> اما پدیداری جامعه ملل در ۱۹۱۹ سبب شد منطق فوق متروک شود و دولت‌ها به عنوان یگانه موجودیت‌های دارای شخصیت حقوقی در عرصه حقوق بین‌الملل محسوب شوند. بنابراین دست‌کم تا ۱۹۱۹ دولت‌ها تنها موجودیت‌هایی بودند که قادر به نقش‌آفرینی در عرصه حقوق بین‌الملل بودند، تا آنجا که/وپنهام در ۱۹۲۰ چنین اظهار داشت که مفهوم اشخاص بین‌المللی ناشی از مفهوم حقوق ملل<sup>۵۱</sup> است.

شناسایی شخصیت حقوقی بین‌المللی ملل متحد<sup>۵۲</sup> که در ۱۹۴۵ به عنوان جانشین جامعه ملل<sup>۵۳</sup> پا به عرصه حیات گذاشت نیز به عنوان شخص بین‌المللی در اساسنامه این سازمان یعنی منشور ملل متحد مورد تصریح قرار نگرفت اما در رأی مشورتی دیوان در ۱۹۴۹ مورد تصدیق و تأکید قرار گرفت.

دیوان در قسمتی از نظریه مشورتی خود چنین اشعار داشت که: «... دیوان به این نتیجه رسیده است که ملل متحد، شخص بین‌المللی است. البته این بدان معنا نیست که بیان شود ملل متحد، یک دولت است که قطعاً هم این‌گونه نیست. همچنین این گفته بدان معنا نیست که شخصیت حقوقی ملل متحد یا حقوق و تکالیف آن همانند دولت‌ها است... آنچه بیان شد حتی به صورت ضمنی نیز مؤید آن نیست که حقوق و تکالیف ملل متحد می‌بایست بر عهده جامعه بین‌المللی باشد. یافته دیوان به این معناست که ملل متحد، تابع حقوق بین‌الملل و دارای صلاحیت بهره‌مندی از حقوق و تکالیف است و همچنین قادر به حفظ حقوق خود از طریق طرح دعاوی بین‌المللی

47. Jus in bello

48. ضیائی بیگدلی، حقوق جنگ، همان، ۴۶.

49. Legal Capacity

50. Lauterpacht, *The Subjects of International Law*, 136.

51. Law of Nations

52. United Nations

53. League of Nations

است.<sup>۵۴</sup>

پس از این یافته دیوان بین‌المللی دادگستری، در حقوق بین‌الملل معاصر پذیرفته شد که سایر سازمان‌های بین‌المللی نیز در حیطة عملکرد<sup>۵۵</sup> خود از شخصیت بین‌المللی برخوردارند. البته وضعیت حقوقی سازمان‌های غیردولتی نیز مورد توجه فزاینده‌ای واقع شده است؛ امری که در خصوص تعلق گرفتن تعهدات حقوق بشری به موجودیت‌های غیردولتی نیز در حال رخ‌دادن است.<sup>۵۶</sup> البته در مورد موجودیت‌های مذکور باید اذعان داشت که توانایی و صلاحیت آن‌ها برای نقش‌آفرینی در عرصه حقوق بین‌الملل به صورت غیرمستقیم شناسایی شده است؛ بدین معنا که این موجودیت‌ها مورد شناسایی منابع رسمی حقوق بین‌الملل قرار نگرفته‌اند. البته در این میان، وضعیت بین‌المللی صلیب سرخ، استثناست. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، سازمان غیردولتی در کشور سوئیس است که به وسیله مجمع، شورای مجمع و هیئت مدیره اداره می‌شود و مجمع متشکل از ۲۵ شخص با تابعیت سوئیس است.<sup>۵۷</sup> کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به صورت مستقیم به موجب کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ مأمور ایفای عملکردهای متفاوت و متنوعی است. در خصوص کمیته، به صورت گسترده پذیرفته شده است که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ دارای گونه‌ای از شخصیت حقوقی بین‌المللی است.<sup>۵۸</sup>

در عرصه حقوق داخلی، علت اهمیت بررسی حقوق اشخاص، ریشه در فهم این مسئله دارد که تنها آن دسته از موجودیت‌ها و اشخاص که دارای شخصیت حقوقی هستند، قادر به داشتن حقوق و تکالیف هستند و بالتبع می‌توانند در گفتمان حقوقی مشارکت کنند. شخصیت حقوقی تشکیل یافته از سه عنصر اهلیت حقوقی، اهلیت عمل و اهلیت طرح دعوا است. آستانه و میزان بهره‌مندی هر شخص حقوقی از هر یک از اهلیت‌های مذکور، عموماً توسط وضعیت شخص حقوقی تعیین می‌شود و عنصر تعیین‌کننده در این میان، غالباً همان مفهوم اهلیت حقوقی است که به معنای صلاحیت دارا شدن حقوق، تکالیف و ظرفیت‌ها است.<sup>۵۹</sup>

### ۳. شخصیت بین‌المللی گروه‌های مسلح غیردولتی در پرتو تعهدات حقوق بین‌الملل بشر دوستانه

در بحث و پرداختن به این مسئله که آیا حقوق بین‌الملل، جواز تعمیم و گسترش شخصیت حقوقی به گروه‌های مسلح غیردولتی می‌دهد یا خیر می‌بایست به این نکته توجه شود که مباحث متعلق

54. ICJ, *Reparations for Injuries Suffered in the Employment of the United Nations*, 178.

55. Functional Theory

56. Lindblom, *Non-Governmental Organizations in International Law*, 70.

57. See: International Committee of Red Cross (ICRC), "Its mission and work," Adopted by the Assembly of ICRC, *International Review of the Red Cross* 91, 874 (2008): 151.

58. Lindblom, *Non-Governmental Organizations in International Law*, 71.

59. Ibid.

به قلمرو حقوق بین‌المللی بعضاً بسیار اختلافی هستند و پاسخ متقن و روشنی ندارند؛ به گونه‌ای که به گفته یکی از اندیشمندان این عرصه، علی‌رغم سپری شدن مدت مدیدی از حیات حقوق بین‌الملل به‌عنوان یگانه مجموعه قواعد و مقررات حاکم بر روابط میان ملل، این رژیم حقوقی هنوز به‌طور کامل مورد فهم و توضیح واقع نشده است.<sup>۶۰</sup> وضعیت شخصیت حقوقی گروه‌های مسلح غیردولتی در بخش نخست به‌تفصیل بررسی شد.<sup>۶۱</sup> با تدقیق در قواعد هنجاری روشن می‌شود که گروه‌های مذکور به مثابه موجودیت‌های ناشناخته‌ای در عرصه حقوق بین‌الملل تلقی نمی‌شوند، بلکه برعکس، مسائل حقوقی مربوط به این موجودیت‌ها، به دلیل تنوع گسترده و اهمیت آن‌ها به سبب نقش‌آفرینی‌های وسیع در عرصه جامعه بین‌الملل در ابعاد و حوزه‌های گوناگون، در حال قاعده‌مند شدن هستند.<sup>۶۲</sup>

حسب تعریف پروتکل الحاقی دوم به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، گروه‌های مسلح شامل نیروهای مسلح یا دیگر گروه‌های مسلح سازمان‌یافته‌ای هستند که تحت فرماندهی شخص مسئول، حدی از کنترل را بر بخشی از قلمرو ارضی کشور اعمال می‌کنند؛ امری که آن‌ها را قادر به انجام عملیات نظامی مستمر و منسجم و اجرای پروتکل می‌کند.<sup>۶۳</sup> در این راستا، حسب نظر عده‌ای از اندیشمندان، گروه‌های مسلح غیردولتی که در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی مشارکت می‌کنند، حداقل تا میزانی دارای شخصیت حقوقی هستند و مشمول برخی تعهدات و مسئولیت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل می‌شوند. در این راستا، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی به آن‌ها، قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد و هنجارهای عرفی حقوق

60. Anthony D'Amato, "A Few Steps toward an Explanatory Theory of International Law," *Faculty Working Papers* 90 (2010): 90.

61. توضیح کوتاه آنکه از منظر عده‌ای از اندیشمندان در دکترین، بازیگران غیردولتی مورد بحث، شامل گروه‌های غیردولتی هستند که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به حمایت و پشتیبانی از مبارزان غیردولتی در فضای مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی و به‌طور خاص در مناقشات داخلی می‌پردازند. این گروه‌های مسلح غیردولتی که در مقاطع مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی ایجاد می‌شوند، شامل موارد ذیل هستند: ۱. گروه‌های منظم و متشکل از مبارزان و دارای ساختار فرماندهی سیاسی و نظامی؛ ۲. گروه‌های غیرمنظم متشکل از مبارزان دارا یا فاقد ساختار فرماندهی نظامی و سیاسی؛ ۳. گروه‌های جمع‌شده به‌صورت خودجوش و خودانگیزی که در مخاصمه مشارکت می‌کنند یا در اقدامات پراکنده و گاه و بیگاه با رنگ و بوی خشونت جمعی مشارکت می‌کنند، اعم از اینکه دارای ساختار فرماندهی یا ساختار رهبری سیاسی باشند یا نه؛ ۴. مزدورانی که به‌عنوان بخشی از دیگر گروه‌های مبارز عمل می‌کنند. ۵. داوطلبان متعلق به دیگر کشورها که برای مقطعی در مخاصمه مشارکت می‌کنند یا درگیر عملیات می‌شوند؛ اعم از اینکه به‌عنوان واحدهای جداگانه یا به‌عنوان بخشی از واحدهای موردی یا منظم باشند. ن.ک:

Petra Perišić, "Some Remarks on the International Legal Personality of Individuals." *The Comparative and International Law Journal of Southern Africa* 49, 2 (2016): 225-227.

62. M., Cherif Bassiouni, "The New Wars and the Crisis of Compliance with the Law of Armed Conflict by Non-State Actors," *The Journal of Criminal Law and Criminology* 98, 3 (2008): 771.

63. International Committee of the Red Cross (ICRC), Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts (Protocol II), 8 June 1977, 1125 UNTS 609, art 1, para 2.

بین‌الملل، همگی جزء منابع موجد تعهد برای گروه‌های مذکور تلقی می‌شوند. از سوی دیگر، حقوق بین‌الملل، هنگامی به موضوع گروه‌های مسلح غیردولتی و مخاطب قرار گرفتن این موجودیت‌ها می‌پردازد که آستانه خشونت از حد معینی بگذرد؛ امری که در عین حال به‌صورت ضمنی، مؤید پذیرش امر چندپارگی در داخل دولت مذکور نیز هست. معنای غالب چنین چندپارگی آن است که برخی جنبه‌های حاکمیت، به‌صورت دوفاکتو توسط گروه مسلح غیردولتی فعال در قلمرو ارضی معین اعمال می‌شود. در چنین حالتی روشن است که گروه مذکور نمی‌تواند از مسئولیت بین‌المللی قرین مفهوم دولت، به‌ویژه در قالب ماده ۹ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، بگریزد.<sup>۶۴</sup>

بنابراین ملاحظه می‌شود امکان دارد گروه‌های مسلح غیردولتی، تحت شرایطی، دست کم در بخشی از شخصیت حقوقی دولت‌ها شریک شوند، اگرچه نوع دقیق و میزان آن جای پرسش دارد و غالباً در هر قضیه، به‌صورت موردی بررسی می‌شود. همچنین در خصوص بحث حاضر، این استدلال که بیان می‌دارد از آنجا که دولت‌ها از شخصیت حقوقی بین‌المللی کاملی برخوردارند، قادر هستند به سایر موجودیت‌ها شخصیت حقوقی بین‌المللی محدودی اعطا کنند، از حمایت برخی اندیشمندان، نظیر لاتریا<sup>۶۵</sup> برخاسته است؛<sup>۶۵</sup> شخصیت حقوقی که از آن به‌عنوان شخصیت اشتقاقی<sup>۶۶</sup> نیز یاد می‌شود.<sup>۶۷</sup> در این راستا، اشاره به این نکته ضروری است که ماهیت پویا و منعطف حقوق بین‌الملل در پذیرش تابعان بالقوه<sup>۶۸</sup> در تصمیمات مختلف دیوان بین‌المللی دادگستری نیز تبیین شده است که در این خصوص می‌توان از قضیه تیمور شرقی یا قضیه جبران خسارت نام برد.<sup>۶۹</sup> بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که اثر انتساب شخصیت حقوقی به معنای آن است که گروه مسلح غیردولتی به‌عنوان تابع حقوقی مجزا و صاحب حق و تکلیف ویژه و منحصر به خود شناسایی می‌شود. بنابراین امکان دارد گروه مسلح غیردولتی بر مبنای معاهده بین‌المللی، منشور، حقوق عرفی یا قواعد عمومی حقوق بین‌الملل برای خود مدعی شخصیت حقوقی شود یا ادعا کند که به‌عنوان

64. Perišač, *Some Remarks on the International Legal Personality of Individuals*, 231.

65. Lauterpacht, *The Subjects of International Law*, 136-138.

66. Derived Personality

67. Christian Walter, "Subjects of International Law." In *Max Planck Institute Encyclopedia of Public International Law*, edited by Anne Peters and Margrét Sólveigardóttir (Oxford: Oxford University Press, 2007): 26.

68. Potential Subjects

69. حسب یافته دیوان در قضیه جبران خسارت به کارکنان ملل متحد، تابعان هر نظام حقوقی الزاماً از حیث ماهیت یا میزان بهره‌مندی از حق، مشابه نیستند و ماهیت آن‌ها به نیازهای جامعه متکی است. همچنین قاضی *ویراماتری* و چند تن از قضات دیگر در نظریات مخالف خود در قضیه تیمور شرقی، آن دسته از عناصر سازنده شخصیت حقوقی را که به عناصر تشکیل‌دهنده شخصیت حقوقی دولت‌ها شباهت داشتند به جنبش‌های رهایی‌بخش نسبت دادند. استدلال ایشان بر پایه این نظریه بود که حق تعیین سرنوشت، اعمال عناصر حاکمیتی، نظیر استخراج منابع طبیعی را مجاز می‌سازد. ن.ک:

ICJ Report, *Reparations for Injuries Suffered in the Employment of the United Nations*, 178; International Court of Justice (ICJ), *Case Concerning East Timor (Portugal v. Australia)*, Dissenting Opinion of Judge Weeramantry, (1995): 197-200.



ارگان یا نهاد حاکمیتی دولت به صورت دوفاکتو یا دوژوره عمل می‌کند.<sup>۷۰</sup> پرسش قابل طرح این است که در تعیین و تشخیص این که کدام یک از گروه‌های مسلح غیردولتی می‌توانند ادعای وجود شخصیت حقوقی برای خود بنمایند، چه شاخص یا شاخص‌هایی مؤثر هستند؟ مطابق آنچه در دکترین در این خصوص بیان شده است، از رهگذر ترکیب و تلفیق ظرفیت‌ها و عملکرد سازمانی خود گروه‌های مسلح غیردولتی، ضروریات جامعه بین‌المللی، اعتقاد حقوقی سایر بازیگران عرصه حقوق بین‌الملل و نیز به موجب شرایط داخل در خود دولت در موارد وجود دولت‌های به لحاظ اقتدار، چندپاره می‌توان تعیین نمود کدام گروه‌های مسلح غیردولتی می‌توانند مدعی وجود شخصیت حقوقی برای خود شوند.<sup>۷۱</sup>

در قلمرو حقوق داخلی، میزان بهره‌مندی یک شخص حقوقی معین از اهلیت قانونی غالباً طبق جایگاه آن معین می‌شود. اهلیت کامل بدان معناست که شخص حقوقی قابلیت بهره‌مندی از حقوق، تکالیف و ظرفیت‌ها را دارد. وفاق عمومی که میان بیشتر نظام‌های حقوقی داخلی وجود دارد آن است که هنگامی که اهلیت اشخاص به واسطه عامل تأثیرگذار بر جایگاه آنان محدود می‌شود، این محدودیت در واقع در جهت حمایت از منافع این اشخاص وضع شده است. برای مثال، جنین به شرط زنده‌متولدشدن دارای حقوقی است اما مطلقاً پذیرای تعهدی نیست.<sup>۷۲</sup> با وجود این در خصوص گروه‌های مسلح غیردولتی، مسئله مشکل‌ساز آن است که علی‌رغم دارا بودن شخصیت حقوقی محدود، این موجودیت‌ها در جایگاه نامطلوبی واقع شده‌اند، چرا که گروه‌های مذکور دارای تعهدات بین‌المللی مستقیمی هستند اما در فرآیند قانون‌سازی یا تصمیم‌گیری در خصوص اینکه پذیرای کدام تعهد باشند، قدرت مشارکت ندارند و از همه مهم‌تر آنکه قدرت آن را ندارند که لزوم متابعت و پیروی مخالفان خود از قانون را پیگیری کنند. بنابراین ملاحظه می‌شود که گروه‌های مسلح غیردولتی در زمره موجودیت‌هایی هستند که با توجه به نقشی که در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی به‌عنوان حداقل یک طرف درگیری ایفا می‌کنند، شخصیت حقوقی بسیار محدودی دارند.<sup>۷۳</sup>

#### ۴. درگیری‌های یمن و نقش گروه‌های مسلح غیردولتی در وضعیت این کشور

یکی از مواردی که امروزه گروه‌های مسلح غیردولتی را تبدیل به مسئله‌ای مهم نموده است،

70. Anthony Vinci, "Anarchy, Failed States, and Armed Groups: Reconsidering Conventional Analysis," *International Studies Quarterly* 52, 2 (2008): 300.

71. Ibid., 304-305.

72. Władysław Czapliński, "Recognition and International Legal Personality of Non-State Actors," *Pécs Journal of International and European Law* (2016): 8-10.

73. Ibid.

مربوط به درگیری‌های یمن<sup>۷۴</sup> و نقش گروه‌های مسلح غیردولتی<sup>۷۵</sup> در بحران این کشور

۷۴. از ژانویه ۲۰۱۱ به بعد، برخلاف سوابق اعتراض در سایر کشورهای عربی، اعتراض‌های مسالمت‌آمیزی در سرتاسر یمن با خواسته برکناری علی عبدالله صالح از مسند ریاست جمهوری آغاز شد. این اقدام سراسری مورد حمایت گروه حوثی‌ها نیز واقع شد؛ گروهی که در ابتدا با هدف گسترش و ارتقای اسلام زیدی ایجاد شد و از ۲۰۰۴ درگیر مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی با دولت یمن بود. پس از مدتی، علی عبدالله صالح با اعلام وضعیت اضطراری در این کشور، با توسل به خشونت، به این اعتراض‌ها پاسخ داد. با گسترش ناآرامی‌ها و بدتر شدن شرایط انسانی در یمن، شورای امنیت سازمان ملل در اکتبر ۲۰۱۱ با تصویب قطعنامه شماره ۲۰۱۴، از تمامی طرف‌های درگیر در یمن خواست تا طرح ابتکاری انتقال قدرت صلح‌آمیز در یمن را که شورای همکاری خلیج تدوین کرده بود، بپذیرند. در حالی که عبدالله صالح، موافقت‌نامه پیشنهادی شورای همکاری خلیج مبنی بر کناره‌گیری وی از قدرت و انتقال قدرت به منصور هادی را در نوامبر ۲۰۱۱ پذیرفت، حوثی‌ها به این نتیجه رسیدند که در حال به حاشیه‌راندن شدن سیاسی هستند؛ بنابراین به مبارزات خود علیه گروه‌های قبیله‌ای در شمال یمن ادامه دادند و موفق شدند در سپتامبر ۲۰۱۴ کنترل شهر صنعا، پایتخت یمن را در دست بگیرند. به دنبال این واقعه، موج جدیدی از اعتراض‌ها مبنی بر استقرار یک دولت جدید و اجرایی شدن توافقنامه انتقال قدرت در یمن ایجاد شد. حوثی‌ها بار دیگر ابتکار عمل را به دست گرفتند و با متحد شدن با سران برخی قبایل و فرماندهان وفادار به علی عبدالله صالح، قدرت خود را بیش از پیش افزایش دادند. این در حالی بود که وضعیت سیاسی در یمن بسیار ملتهب بود. در چنین زمانی، موافقت‌نامه صلحی موسوم به موافقت‌نامه صلح و نمایندگی ملی با مداخله سازمان ملل با حوثی‌ها منعقد شد. در حالی که در موافقت‌نامه صلح و نمایندگی ملی، سهم‌شدن حوثی‌ها در ساختار دولت پیش‌بینی شده بود، این امر هرگز محقق نشد و تنش میان منصور هادی و حوثی‌ها در صنعا مجدداً شعله‌ور شد. به دنبال این مسئله، منصور هادی در حصر خانگی قرار گرفت و در فوریه ۲۰۱۵ به عدن گریخت. در ۱۹ مارس ۲۰۱۵، با وقوع درگیری میان واحدهای نظامی وابسته به علی عبدالله صالح و نیروهای منصور هادی در عدن، خشونت‌ها به اوج خود رسید و منصور هادی با گریختن از یمن، به عربستان سعودی پناهنده شد و به دنبال آن، ائتلافی به سرکردگی عربستان در حمایت از وی در مقابل جنبش حوثی‌ها شروع به مداخله در یمن کرد. ن.ک:

Non-international armed conflicts in Yemen, Online Article, Available at: <https://www.rulac.org/browse/conflicts/non-international-armed-conflicts-in-yemen>, Last Accessed on July, 17, 2023

۷۵. به‌طور خلاصه، طرف‌های عمده مخاصمه در یمن عبارت‌اند از:

۱. حوثی‌ها که به نام انصارالله نیز شناخته می‌شوند؛ این گروه، مبارزان جنبش مقاومت یمن هستند که نام خود را از حسین بدرالدین الحوثی وام گرفته‌اند. مقر آن‌ها در منطقه شمالی سعه به‌عنوان منطقه‌ای عمدتاً شیعه زیدی است.
۲. شورای انتقالی جنوبی: این گروه در مارس ۲۰۱۷ توسط *ایدروز/الزیدی*، فرماندار سابق عدن که بزرگ‌ترین شهر در جنوب یمن است، تأسیس شد. شورای انتقالی جنوبی به دنبال استقلال جنوب یمن است. تأسیس این شورا ریشه در واکنش به شکست منصور هادی در اداره قسمت جنوبی یمن دارد.
۳. طرفداران منصور هادی: رئیس دولت مستعفی یمن که قبلاً معاون اول علی عبدالله صالح بود و در ۲۰۱۲ رئیس جمهور انتقالی یمن شد، در ژانویه ۲۰۱۵ و در پی خیزش مردمی استعفا کرد و به منظور فرار از بازداشت به عدن گریخت و در آنجا به سازماندهی حامیان خود پرداخت.
۴. القاعده در شبه‌جزیره عربی: سازمان مجاهدان مسلمان که ابتدا در عربستان و یمن فعال بود و سپس با گروه‌های القاعده یمن و شاخه عربستان در ژانویه ۲۰۰۹ با تقویت در جنوب یمن ادغام شد.

اما در کل، بازیگران اصلی این میدان از یک طرف انصارالله (حوثی‌ها) و از سوی دیگر، مداخله نظامی با محوریت عربستان هستند.

ن.ک:

Marco Sassòli, "Armed Conflict in Yemen: An Illustration of the Pertinence and Deficiencies of Existing IHL Rules," *Iranian Journal of International and Comparative Law* 1, 1 (2023): 3-4.

است. ۷۶

تدقیق در وقایع یمن طی چند سال گذشته نشان می‌دهد در همان آغاز درگیری‌ها، اجتماع و هیئت سیاسی تشکیل‌دهنده دولت منصور هادی دچار نقص شد و قوه مجریه قادر به نمایندگی کل جمعیت خود نبود. البته باید توجه داشت که چندین معیار سیاسی و حقوقی وجود دارند که نقش مشخص و ویژه‌ای در خصوص فرآیند مشروعیت‌سازی و مشروعیت‌زدایی ایفا می‌کنند. به‌واقع علی‌رغم سپری‌شدن چندین سال از آغاز مداخله نظامی با محوریت عربستان با هدف مبارزه با انصارالله و اعاده اقتدار منصور هادی، ادعای وی به داشتن مشروعیت بیشتر تضعیف شده است، به‌ویژه وقتی ملاحظه می‌شود که معیار کنترل مؤثر بر قلمرو و جمعیت از اهمیت زیادی برخوردار است و منصور هادی، علی‌رغم عملیات جنگی فشرده، نتوانست اقتدار خود را اعاده کند.<sup>۷۷</sup> تدقیق در شرایط چند سال اخیر یمن نشانگر آن است که وضعیت این کشور، منحصر به فرد است زیرا دولتی وجود دارد که به علت مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی متعدد و مداخله نظامی خارجی با محوریت عربستان، به لحاظ اقتدار و حاکمیت دچار چندپارگی شده است. به‌علاوه قوه مجریه دولت ادعایی منصور هادی فاقد کنترل واقعی بر دولت است و مداخله‌ای خارجی صورت پذیرفته که ادعا می‌شود بر مبنای رضایت دولت است؛ مداخله‌ای علی‌الظاهر مبتنی بر رضایتی که بر مبنای دلایلی می‌توان ادعا کرد، حداقل در ادامه، مشروعیت و قانونمندی خود را از دست داده است.<sup>۷۸</sup> در این راستا، گروه مسلح غیردولتی انصارالله توانست تا میزان و حد مشخصی از ظرفیت و توانایی اداره کردن را از طریق ساختار سیاسی و سازمانی نشان دهد و چنین نماینده‌بودن خود و ظرفیت و توانایی ایفانمودن تعهدات داخلی و بین‌المللی و نیز همگام‌بودن با برخی استانداردهای بین‌المللی

زهراسادات شارق و علیرضا محمدی مطلق، «مسئولیت بین‌المللی کشورهای عضو ائتلاف در مخاصمه یمن در پرتو بین‌المللی شدن مخاصمه»، فصلنامه آفاق امنیت ۹، ۳۳ (۱۳۹۵): ۱۷۵-۱۷۶.

۷۶. مصطفی فضائی، «مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی ۴۶، ۱ (۱۳۹۵): ۲.

77. Paul R. Williams, Tiffany Sommadossi and Ayat Mujais, "A Legal Perspective on Yemen's Attempted Transition from a Unitary to a Federal System of Government," *Utrecht Journal of International and European Law* 33, 84 (2017): 5-6.

۷۸. موضوع این است که آیا تحولاتی که به دنبال اقدامات ائتلاف با محوریت عربستان اتفاق افتاد و منجر به نقض‌های عدیده قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه در یمن شد، تأثیری بر قانونی‌بودن رضایت اولیه منصور هادی به مداخله دارد؟ پاسخ آن است که اگرچه ابراز رضایت، عملی واحد است، رضایت باید همچنین در طول مدت مداخله معتبر بماند. به‌علاوه قلمرو و وسایل مداخله نیز باید در طول زمان و از منظر حقوق بین‌الملل ارزیابی شوند. بنابراین ملاحظه می‌شود هنگامی که مداخله مبتنی بر رضایت طرفین، پس از گذشت مدتی، قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل، و به‌طور ویژه، قواعد حق در جنگ را نقض می‌کند و به نظام امنیت جمعی صدمه وارد می‌کند، حتی اگر رضایت اولیه به مداخله، موجه و مشروع باشد، در ادامه، چنین رضایتی به موجب حقوق بین‌الملل، محکوم به بی‌اعتباری می‌شود.

ن.ک:

Anthony H. Cordesman, "The War in Yemen: Hard Choices in a Hard War," *Center for Strategic and International Studies (CSIS)* 6, 4 (2017): 79-80.

را نشان دهد.<sup>۷۹</sup> بنابراین ملاحظه می‌شود در غیاب یک دولت کارآمد و منجسم، گروه مسلح غیردولتی انصارالله در عمل عهده‌دار کارکردهای حاکمیتی شده و عملکردی دولت‌گونه داشته است. حمایت جمعیت محلی از جنبش انصارالله نیز حاکی از کارکرد مثبت این گروه در کسب مشروعیت به‌عنوان قدرت عمومی است.<sup>۸۰</sup> ملاحظات فوق‌بدان معناست که می‌توان ادعا نمود گروه انصارالله به سبب حصول ویژگی‌هایی نظیر سازمان‌دهی و داشتن کنترل واقعی در بخشی از سرزمین یمن در شرایط مخاصمه مسلحانه، موفق به ایفای عملکردهای حاکمیتی شده و در نتیجه، توانست از شخصیت حقوقی بین‌المللی نسبتاً جامعی برخوردار و چه بسا رفتار آن رفتار دولت نیز تلقی شود. از سوی دیگر، اگرچه شورای امنیت ملل متحد، گروه انصارالله و دولت ادعایی ایشان با عنوان دولت نجات ملی<sup>۸۱</sup> را به‌عنوان دولت مشروع و قانونی یمن شناسایی نکرده است، جامعه بین‌المللی و سایر نهادهای ملل متحد از انصارالله به‌عنوان مقامات دوفاکتو در یمن نام می‌برند.<sup>۸۲</sup> این در حالی است که انصارالله خود را به‌عنوان حکومت دژورده یمن می‌داند و در این راستا اقدام به تأسیس ساختار دولتی متشکل از وزارتخانه‌ها و اداره‌هایی با هدف اثربخشیدن به یک حکومت مشروع و کاربردی کرده است.<sup>۸۳</sup> همچنین برای مثال، انصارالله به منظور تأثیربخشیدن هر چه بیشتر به حکومت خود در ۲۰۱۹ در پاسخ خود به هیئت کارشناسان برجسته در امور یمن،<sup>۸۴</sup> صراحتاً اعلام کرد که مشروعیت خود را از انسجام نهادین یمن در زمان حکومت خود و احترام به موازین حقوق بین‌الملل شامل تعهدات برخاسته از معاهدات بین‌المللی، که دولت پیشین یمن بدان‌ها پیوسته، وام گرفته است.<sup>۸۵</sup>

از حیث مسئولیت، می‌توان عملکرد گروه انصارالله را در قالب ماده ۹ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نیز بررسی کرد که مطابق آن، رفتار شخص یا گروهی از اشخاص، در بحث پیش رو، رفتار جنبش انصارالله، که در غیاب یا در صورت قصور و کوتاهی مقامات رسمی اقدام به اعمال برخی

79. Darwich May, "The Saudi Intervention in Yemen: Struggling for Status," *International Journal of Politics, Culture, and Society* 17, 2 (2018): 90,

80. *Ibid.*, 91.

81. The National Salvation Government

82. Sassòli, *Armed Conflict in Yemen: An Illustration of the Pertinence and Deficiencies of Existing IHL Rules*, 3-4.

83. The International Responsibilities of De facto Authorities and Terrorist Organizations in the Yemen Conflict.

84. The Group of Eminent Experts on Yemen (GEE),

در سپتامبر ۲۰۱۷، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد (HRC) گروهی از کارشناسان برجسته (GEE) در مورد یمن را برای بررسی نقض و نقض قوانین بین‌المللی که همه طرف‌های درگیر مرتکب شده‌اند و ارائه توصیه‌های کلی برای بهبود وضعیت حقوق بشر در یمن تشکیل داد. ن.ک:

Group of Eminent Experts on Yemen, Available at: <https://www.ohchr.org/en/hr-bodies/hrc/yemen-gee/index>, Last Accessed on 17 July 2023.

85. Sassòli, *Armed Conflict in Yemen: An Illustration of the Pertinence and Deficiencies of Existing IHL Rules*.

عناصر حاکمیتی می‌نماید، به موجب حقوق بین‌الملل، رفتار دولت تلقی می‌شود.<sup>۸۶</sup> ملاحظه می‌شود که سیطره این مقرر، دقیقاً دربرگیرنده پاسخ به شرایط قیام همگانی در مواجهه با شرایط استثنایی نظیر انقلاب‌ها از جمله خیزش سراسری در یمن است؛ شرایطی که در آن مقامات با کارکردهای سابقاً منظم، منحل، متلاشی و سرکوب می‌شوند یا برای مقطع زمانی از کار می‌افتند.<sup>۸۷</sup> در این راستا و برای آنکه حسب ماده ۹، رفتار مذکور، رفتار دولت قلمداد شود، اولاً رفتار می‌بایست مرتبط با اعمال اقتدارات دولتی باشد. ثانیاً در غیاب یا در صورت قصور و کوتاهی مقامات دولتی انجام شود. ثالثاً شرایط می‌بایست استثنایی باشد. شرط نخست، عمدتاً بر اساس طبیعت عمل و نه ارتباط رسمی با دولت تعیین می‌شود. شرط دوم پوشش‌دهنده و شامل قصور و ناتوانی دولت در هر دو سطح کلی یا جزئی است. همچنین، شرط سوم به اصل ضرورت اشاره می‌کند که می‌تواند در معنای توجیه اقتدارات دولتی توسط گروه‌های غیرمسلح به کار برود.<sup>۸۸</sup> ماده ۹ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، منجر به حذف خلاً میان رفتار دولت و گروه مسلح غیردولتی می‌شود و چنین استدلال می‌کند که در شرایط اضطراری، این امکان وجود دارد که مقامات دولتی نه لزوماً با یک مقام دولتی جدید بلکه با گروه مسلح غیردولتی که به صورت دفاکتو در حال اقدام به نام دولت است، جایگزین شوند.<sup>۸۹</sup> تحلیل وضعیت گروه انصارالله از چنین منظری بی‌شک شخصیت حقوقی بین‌المللی این گروه را بسیار پررنگ‌تر جلوه خواهد داد؛ امری که چه بسا قادر باشد به نوبه خود، امکان کاسته شدن از موارد حوزه مسئولیت‌های جبران‌نشده را کاهش بدهد.

### نتیجه

واقعیت آن است که پرسش مطروحه راجع به این مسئله که آیا حقوق بین‌الملل جواز تعهدات الزام‌آور مستقیم برای گروه‌های غیردولتی در چارچوب حقوق بشردوستانه بین‌المللی را می‌دهد و اینکه آیا موجودیت‌های نام برده شده، دست‌کم از نوعی شخصیت حقوقی بین‌المللی ولو محدود برخوردارند، در زمره موضوعاتی هستند که ارتباط گریزناپذیری با یکدیگر دارند. روشن است که نخست برای آنکه بر یک موجودیت تعهد حقوقی بار شود، این موجودیت می‌بایست دارای اهلیت قانونی باشد و مقدمه برخورداری از اهلیت قانونی، بهره‌مندی از شخصیت حقوقی است. دوم برای آنکه قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، شامل گروه‌های مسلح غیردولتی شود، می‌بایست تعهداتی

۸۶. کمیسیون حقوق بین‌الملل، *مسئولیت بین‌المللی دولت*، ترجمه: علیرضا ابراهیم‌گل، (تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۳)، ۷۴-۷۵.

۸۷. Darrell A. H. Miller, "Self-Defense, Defense of Others, and the State," *Law and Contemporary Problems* 80, 2 (2021): 90.

۸۸. کمیسیون حقوق بین‌الملل، همان، ۶۰.

۸۹. Miller, *Self-Defense, Defense of Others, and the State*, 91.

در قلمرو بین‌المللی بر گروه‌های مذکور بار شود، چرا که در غیر این صورت، اصل برابری متخاصمان، عاری از معنا خواهد شد. سوم آنکه میزان اهلیت قانونی یک موجودیت، مسئله‌ای است که با وضعیت شخصیت حقوقی موجودیت تعیین می‌شود.

از سوی دیگر، تدقیق در دکترین نشان می‌دهد برخی اندیشمندان معتقدند که گروه‌های مسلح غیردولتی که از سطح مشخصی از فرماندهی، سازماندهی و کنترل مؤثر بر بخش معینی از سرزمین برخوردارند، دارای شخصیت حقوق بین‌المللی هستند و به موازات برعهده گرفتن اعمال کارکردهای حاکمیتی، از شخصیت حقوقی بین‌المللی تکامل یافته‌تری برخوردار می‌شوند. در این میان، تدقیق در وضعیت یمن نشان می‌دهد در وضعیتی که هیئت دولت به علت مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی متعدد و مداخله نظامی خارجی به لحاظ اقتدار و حاکمیت دچار چندپارگی شده و همچنین مشروعیت و قانون‌مندی ریاست جمهوری محل تردید جدی است، گروه انصارالله به سبب ویژگی‌ها و تکامل شخصیت حقوقی خود، به صورت دوفاکتو به موازات برعهده گرفتن اعمال کارکردهای حاکمیتی از شخصیت حقوقی بین‌المللی تکامل یافته‌تری برخوردار است که سبب می‌شود دست کم رفتار آن در قالب ماده ۹ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها قابل بررسی باشد.

واقعیت آن است که نظام حقوق بین‌الملل در مقایسه با نظام حقوق داخلی به شدت توسعه نیافته است و در عین حال در این مقاله، عمده تمرکز بر ارائه نظریاتی روشن‌گرایانه و مترقیانه از نقاط خاکستری حقوق بین‌الملل است که در آن برای برخی موضوعات هنوز پاسخ متقنی وجود ندارد. در همین راستا، تنویر مسئله گستره شخصیت حقوقی بین‌المللی گروه‌های مسلح غیردولتی و نتایج ضمنی آن به‌ویژه در وادی قواعد ثانویه، که تلاش شد در این نوشتار بدان پرداخته شود، بخش مهمی از فرآیند درک و فهم نظری حقوقی بین‌المللی را ایفا می‌کند.

منابع:

الف. فارسی

– کتاب

۱. ضیائی بیگدلی، محمدرضا و همکاران. *آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری*. چاپ اول، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۲.
۲. ضیائی بیگدلی، محمدرضا. *حقوق بین‌الملل بشردوستانه*. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۲.
۳. ضیائی بیگدلی، محمدرضا. *حقوق جنگ*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۳.
۴. ضیائی، سیدیا سر. *درآمدی بر جدایی‌طلبی در حقوق بین‌الملل*. تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۶.
۵. ممتاز، جمشید و شایگان، فریده. *حقوق بین‌الملل بشردوستانه در برابر چالش‌های مخاصمات مسلحانه عصر حاضر*. تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۲.

– مقاله

۱. زمانی، سیدقاسم و سیدیا سر ضیائی، «تعمیم نظام مسئولیت بین‌المللی به بازیگران غیردولتی با تأکید بر جدایی‌طلبان»، *مجله حقوقی بین‌المللی* ۲۸، شماره ۴۵ (۱۳۹۰).
۲. شارق، زهراسادات و علیرضا محمدی مطلق، «مسئولیت بین‌المللی کشورهای عضو ائتلاف در مخاصمه یمن در پرتو بین‌المللی‌شدن مخاصمه»، *فصلنامه آفاق امنیت* ۹، شماره ۳۳ (۱۳۹۵).
۳. فضایی، مصطفی، «مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی* ۴۶، شماره ۱ (۱۳۹۵).
۴. عین‌الهی معصوم، بهرام و یوسف مولایی، «مدلی تحلیلی برای تبیین شخصیت حقوقی گروه‌های غیردولتی مسلح تحت حقوق بشردوستانه بین‌المللی: مطالعه گروه‌های شیعه و گروه‌های منشعب از القاعده در عراق و سوریه»، *فصلنامه روابط خارجی* ۲۲، شماره ۲ (۱۳۹۹).
۵. قاسمی، غلامعلی و محمدصالح تسخیری، «شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی* ۱۹، شماره ۵۵ (۱۳۹۶).

ب. انگلیسی

- Books

1. Brierly, J. L. *The Law of Nations: An Introduction to the International*

*Law of Peace*. Oxford: Clarendon Press, 1955.

2. Corten, Olivier. *The Law Against War: The Prohibition on the Use of Force in Contemporary International Law*, Oxford: Hart Publishing, 2010.
3. Lindblom, Anna-Karin. *Non-Governmental Organizations in International Law*. New York: Cambridge University Press, 2005.
4. Sassòli, Marco, Antoine A. Bouvier and Anne Quintin. *How does law protect in war*, Swiss: International Committee of the Red Cross, 1999.
5. Walter, Christian. "Subjects of International Law." In *Max Planck Institute Encyclopedia of Public International Law*, edited by Anne Peters and Margrét Sólveigardóttir, Oxford: Oxford University Press, 2007.

#### - Articles

1. Bangerter, Olivier, "Reasons why armed groups choose to respect international humanitarian law or not." *International Review of the Red Cross* 93, no. 882 (2011).
2. Cherif Bassiouni, M. "The New Wars and the Crisis of Compliance with the Law of Armed Conflict by Non-State Actors." *The Journal of Criminal Law and Criminology* 98, no. 3 (2008).
3. Clapham, Andrew, "The Rights and Responsibilities of Armed Non-State Actors: The Legal Landscape & Issues Surrounding Engagement." *Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights* (2010).
4. Cordesman, Anthony H., "The War in Yemen: Hard Choices in a Hard War." *Center for Strategic and International Studies (CSIS)* 6, no. 4 (2017).
5. Czapliński, Władysław, "Recognition and International Legal Personality of Non-State Actors." *Pécs Journal of International and European Law*, 2016.
6. Dabone', Zakaria, "International law: armed groups in a state-centric system." *International Review of the Red Cross* 93, no. 882 (2011).
7. D'Amato, Anthony, "A Few Steps toward an Explanatory Theory of International Law." *Faculty Working Papers* 90 (2010).
8. Heffes, Ezequiel. "Non-State Armed Groups, Legal Personality and Typology." In *Detention by Non-State Armed Groups under International Law*, edited by Heffes, Ezequiel, 29-69. Cambridge: Cambridge University Press, 2022.
9. Kleffner, Jann K., "The applicability of international humanitarian law to organized armed groups." *International Review of the Red Cross* 93, no. 882 (2011).
10. Lauterpacht, Hersch. "The Subjects of International Law." in *International*



*Law: Being the Collected Papers of Hersch Lauterpacht*, Volume I: The General Works, edited by E. Lauterpacht, Cambridge: Cambridge University Press, 1970.

11. May, Darwich, "The Saudi Intervention in Yemen: Struggling for Status." *International Journal of Politics, Culture, and Society* 17, no. 2 (2018).
12. Miller, Darrell A. H., "Self-Defense, Defense of Others, and the State." *Law and Contemporary Problems* 80, no. 2 (2021).
13. Murray, Daragh, "How International Humanitarian Law Treaties Bind Non-State Armed Groups." *Journal of Conflict & Security Law* 20, no. 1 (2015).
14. Perišiæ, Petra, "Some Remarks on the International Legal Personality of Individuals." *The Comparative and International Law Journal of Southern Africa* 49, no. 2 (2016).
15. Rondeau, Sophie, "Participation of armed groups in the development of the law applicable to armed conflicts." *International Review of the Red Cross* 93, no. 886 (2011).
16. Sassòli, Marco, "Armed Conflict in Yemen: An Illustration of the Pertinence and Deficiencies of Existing IHL Rules." *Iranian Journal of International and Comparative Law* 1, no. 1 (2023).
17. Vinci, Anthony, "Anarchy, Failed States, and Armed Groups: Reconsidering Conventional Analysis." *International Studies Quarterly* 52, no. 2 (2008).
18. Waschefort, Gus, "Justice for child soldiers? The RUF Trial of the Special Court for Sierra Leone." *Journal of International Humanitarian Legal Studies* 1 (2010).
19. Williams, Paul R., Tiffany Sommadossi and Ayat Mujais, "A Legal Perspective on Yemen's Attempted Transition from a Unitary to a Federal System of Government." *Utrecht Journal of International and European Law* 33, Issue 84 (2017).

#### - Documents

1. Independent International Fact-Finding Mission on the Conflict in Georgia, *Report*, Vol. I (Geneva: Independent International Fact-Finding Mission on the Conflict in Georgia, 2009).
2. International Committee of Red Cross (ICRC), "Its mission and work," Adopted by the Assembly of ICRC, *International Review of the Red Cross* 91, no. 874 (2008).
3. International Committee of the Red Cross (ICRC), Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts (Protocol II), 8 June 1977, 1125 UNTS 609.
4. International Court of Justice (ICJ), *Case Concerning East Timor (Portugal v. Australia)*, Dissenting Opinion of Judge Weeramantry, (1995).

5. International Court of Justice (ICJ), *Reparations for Injuries Suffered in the Employment of the United Nations*, Advisory ICJ Rep. (1949).
6. International Criminal Court, *Situation in Georgia*, ICC-01/15, Request for Authorization of an Investigation Pursuant to Article 15 (Jan. 27, 2016).
7. Koskeniemi, Martti, "Fragmentation of international law: Difficulties arising from the diversification and expansion of international law." *Report of the Study Group of the International Law Commission (ILC)*, 13 April 2006; Fifty-sixth session, UN Doc A/59/10, 2006.
8. Noortmann, Math, *et al.*, "Final Report of the Committee on Non-State Actors of the International Law Association, (ILA)." *International Law Association* (2016).
9. *Prosecutor v. Dusko Tadic aka 'Dule'* (Decision on the Defense Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction), IT-94-1, International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY), 2 October 1995.
10. International Court of Justice (ICJ), *Reparations for Injuries Suffered in the Employment of the United Nations*, Advisory ICJ Rep. 1949.
11. UN Security Council, Security Council resolution 82, *Complaint of aggression upon the Republic of Korea*, 25 June 1950, S/RES/82, (1950).

پروپوزيشن گاه علوم انسانی و مطالعات فریبندی  
پرتال جامع علوم انسانی